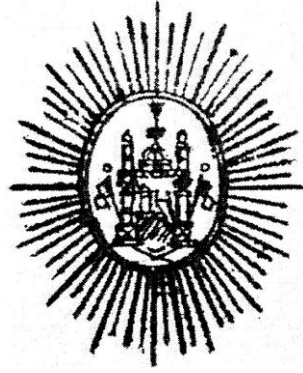
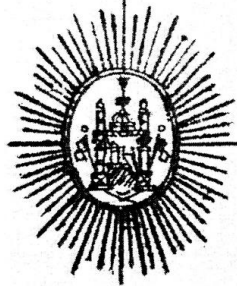


هو الله تعالى



نظامنامه اجراءات تصفيه محاسبه ماضيه



بسم الله الرحمن الرحيم

(نظامنامه اجراءات تصفيه محاسبه ماضيه)

اصول كليہ

قاعده

(۱)- در افغانستان تصفيه محاسبه ماضيه نَمّه گي مامورين دولت و عهده داران و ديگر اشخاصيکه با لذات بدولت مسئول شناخته ميشوند مطابق اجراءات ذيل تعميل ميشود.

(۲)- منباب ذمت رعايا مطابق نظامات و اعلانات موضوعه که داخل معافي آمده است درين نظامنامه تطبيق و مراعت و صرف نظر کرده ميشود.

(۳)- اين نظامنامه تصفيه محاسبه ماضيه در باره محاسبه مامورين و عهده براران و اشخاصيکه بالذات بدولت مسئول اند و از ابتدا سنه قمری هجری مطابق سنه ۱۲۸۳ شمسی الی آخر سنه ۱۲۹۸ آخر سلطنت اعلحضرت شهيد شامل ماموريت دولت بودند تطبيق داده ميشود برای حسابات و باقيات خواهد يافت.

(۴)- جمع و خرج ها و اوارجه هائیکه تا حال قطع نشده و باقی آن معین نشده بقرار فقرات ذیل اجرا شود.

الف: حساباتیکه تعلق گدام داران و خزانه داران و تحویلداران دولت باشد اسم و دولود ساکن و ماموريت شان برای نائیب الحکومه ها و حکومتيهای اعلی خبر داده شود که خود نفرير اخواسته در مال و ملک و جاداد شان بواسطه علاقه دار و قریه دارد و کلای منتخبه علاقه داری علم آوری شود بدون از علم آوری جاداد و مال و ملک او ديگر هيچ تکليف بالای او و تعلقات او نشود پس از علم آوری صورت تحقیقات خود را به مدیریت تصفيه محاسبه روانه کند.

ب: مامورین محاسبه علم در حساب مذکور بیاورند که بعد از معزولی او مالهای ذمه گی او موجودی شده و یا موجودی نشده اگر موجودی شده باشد اتمام کار مذکور بچند موعد و چه مصارف میشود جاداد شخصی حسابده چیست اگر جاداد شخص حسابده اضافه و مصرف ساختن حساب او کمتر شود حساب او تمام و باقی او معین شود، والا که شخص حسابده جاداد نداشته باشد و یا جاداد آن از مصرف ساختن حساب شان کمتر باشد و ساختن حساب ان حاصل بدولت نداشته باشد درین قسم حساب صرف نظر کرده شود.

ج: محاسباتیکه قطع نشده باشد و تحویلداران و کار داران فوت و فرار و لا جاداد باشد مامورین محاسبه علم خود را بیاورند که اسباب تحویلی او بکجاست چیزی موجود است و یا موجود نمیباشد اگر موجود باشد آدم مقرر کرده موجودی و تحویل تحویلدار نماید و الا که موجود نباشد ساختن حساب تکلیف زیاد و لا حاصل باشد صرف نظر کرده شود.

د: چون مدعا از حساب علم آوری دخل و خرج است اگر جمع و خرج ساخته و باقی برآمده باشد باقی از قرار جمع و خرج و اگر جمع و خرج ساخته نشده باشد او ارجه قطع و تمام باشد از قرار باقی اوارجه و اگر اوارجه نباشد روزنامهچه و رپورت که فاضل و باقی نوشته داشته باشد و یا اوارجه رقم که رقم برقم آن باقی برآمده باشد باقی حساب معلوم میشود هر قسم حساب که باقی حال معلوم شود همان قسم حساب درست است حاجت بساختن جمع و خرج و خلاصه علیحده ندارد و الا که اوارجه و روزنامهچه و جمع و خرج اسباب حساب موجود نشد و خود عامل و ضابط و کاردار فوت و فرار و الاجاداد باشد صرف نظر کرده شود.

(۵)- در باب حساباتیکه ناتمام باشد و قطع فیصله آن ضرور ملاحظه شود بقرار فقرات ذیل اجرا شود.

الف: محاسباتیکه عامل و ضابط مقرری داشت و عامل و ضابط آن حیات باشد حسابات مذکور را قطع و تمام نمایند.

ب: محاسباتیکه عامل و ضابط داشته باشد و فوت و فرار باشد و ورثه آن صاحب جایداد باشد باید خود ورثه و یا وکیل او که موجود باشد حسابرا قطع کند و یا وکیل جدید بگیرد، و اگر ورثه نکور نداشته باشد و یا ورثه او صغیر باشد از طرف دولت نماینده موقتی گرفته حساب مذکور تمام شود و تنخواه نویسنده از ورثه او گرفته شود.

ج: محاسباتیکه تحویلدار و ضابط داشته نویسنده علیحده مقرری نداشته باشد و یا نویسنده آن فوت و فرار و لا وارث و بالا جاداده بوده باشد نویسنده موقتی گرفته حساب مذکور قطع شود تنخواه بقرار امضای مامورین تصفیه محاسبه از دولت داده شود.

(۶)- در باب تصفیه باقی با قیدهان که بعد از مجرائی درکاتیکه در معطلی و تحقیق طلب مانده بود و بقرار قواعد شعبه اول در تحت مجرائی و معافی آمده باقی بزمه مامورین دولت و یا عهده برار ها بماند مامورین تصفیه محاسبه ماضیه صورت باقی ذمه گی او را تفصیل وار بنویسند اگر از ایالت کابل باشد برای والی کابل روانه بدارند و اگر از ولایات و

حکومتیهای اعلی باشد برای نایب الحکومه ها و حکام اعلی بنویسد که (فلان شخص) ابن (فلان شخص) مامور فلان ماموریت اینقدر وجه از فلان سال دادن دارد و خود او را خواسته مدلل میکند که اگر بزمه خود باقی مذکور را حق بداند خط قبولی با شرایط رسانیدن آن بمهر محکمه شرعیه گرفته روانه کند و الا که وجه مذکور را بزمه خود حق نداند و رسید و سند حسابی داشته باشد که در مجرائی محاسبه او ملاحظه نشده باشد نقل سندات او را بتاریخ و سال و اسم تحویلدار و ثبت صفحه کتاب که بآن ثبت است ورق ساخته بحضور حکومتی حاضر دارد که علم د رسندات او بیاورند و بعد از علم آوری ورق مذکور را در دائره تصفیه محاسبه ماضیه روانه کند.

که در حسابات او تطبیق بدهند و الا که سند و دست اویز نداشته باشد خط شرعی گرفته شود که الی (۳) ماه بکابل حاضر شود و در فیصله حساب خود علم بیاورد اگر از دو ماه الی ۶ ماه حاضر نشد وجه باقی قطعاً بالای او حواله شود.

(۷)- جمع و خرج هائیکه قطع شده و یا اوارجه هائیکه تمام شده و باقی آن معین شده علاوه سنجش و ملاحظه سندات ضرورت ندارد بهمان صورت که فیصله شده درست است باقی آن بقرار قواعد مقرر که ایضاح یافته فیصله شود.

نظام اجراءات

(۸)- اشخاصیکه در یک ماموریت دولت مستخدم بوده و خدمت کرده اند در زمان خدمت تنخواه برای او داده نشده و حالا در محاسبه خود باقیدار است بقرار ذیل اجرا و تطبیق شود.

الف- اگر تنخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری از طرف دولت برای او مقرر بوده و تنخواه زمان ماموریت او تا حال داده نشده باشد تنخواه شخصی یا وظیفه و یا مستمری زمان ماموریت او بعوض باقی او بعد تحقیق که از دیگر دفتر نبرده باشد مجری داده شود.

ب- اگر تنخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری مقرری نداشت سه سال قبل از ملازمت و ماموریت او تدقیق شود هر قدر تنخواه که برای کار مذکور داده شده باشد سه یکه سه ساله مذکور تنخواه یکساله او شمرده شود، و اگر بست تنخواه سه ساله معین نشود از روی بست تنخواه یکساله گذشته هر قدر که ملازمت کرده باشد برای او مجری داده شود.

ج- اگر در گذشته مامورین اسبق تنخواه نبرده باشند درینصورت بدیگر ماموریت که کار ان مطابق خدمت او بوده باشد تطبیق داده تنخواه برای او مجری داده شود.

(۹)- تنخواه عمال و ضابط و تحویلدار و بیاده و ترازو دار و وظایف و مستمری مستری خوران و ملکان ملکان از قرار مقرری همه ساله و منظوری گذشته در جمع و خرج ها مجری شده و خرج دسترخوان حکومتیها و مخارج جشن ها و عیدین که بقرار حکمنامه حکام ماضیه در جمع و خرج ها مجری شده و باز بصیغه سند طلب بازگشت شده و در باقی

افتاده مطابق مقرری و منظوری گذشته و مطابق حکمنامه های حکام که در خصوص خرج دستر خوان و مخارج جشن ها و عیدین احکام نموده اند مجری شود و اگر در جمع خرج ها مجری نشده باشد هم بقرار مقرری مجری داده شود.

(۱۰)- در باب معطلی ژاله زده گی و ملخ خورده گی و آب برده گی املاک و خشک و خراب و قنات و کاریز مخروبه و زمین هائیکه داخل سرک رفته باشد و یا داخل رباط شده باشد و فوتی و فراری اصنافیکه در جمع مامور یا عهده برار آمده باشد و یا متک زده گی و یا سوخته گی غله که در جمع و خرج ها بصیغه سند طلب معطل مانده باشد اگر در همان زمان مجلای شرعی و یا عرفی و یا تصدیق حاکم و دفتری شده باشد بقرار مجلا و تصدیق مذکور مجری داده شود، در باب املاک آب برده و خشک و خراب علی التخصیص برای مستوفیان حالیه اطلاع داده شود که اگر آینده واپس آباد شده باشند و در جمع دفتر جدید و یا غیره نیامده باشد افزود کرده شود و اشخاصیکه اصنافی شان بدفتر داخل بوده از پیشه خود دست بردار شده باشند بقرار مجلا و تصدیق حکام نیز برای شان مجری داده شود.

(۱۱)- در باب درکات لا قبولی رعایا که بقرار ادعای ادعا طلب و یا راپورت مخبر و یا قلمداد ملک در جمع قریه جات بسته شده و رعایا قبولدار نشده در گذشته و آینده گرفته نشده وجه مذکور را نرساندیه اند و در حسابات در باقی بصیغه لا قبولی افتاده در کات مذکور بخرج حسابات مذکور مجرای شود.

(۱۲)- در خصوص بذر املاک سرکاری و تنخواه مرکب کار و باغبان وخوراکه مرکب و مصارف و مصالح الاملاک که مطابق سر رشته دفتر مجلای شرعی و یا رسید عرفی در جمع و خرج ها مجری شده بود در حین سنجش حساب بصیغه سند طلب بازگشت شده و تا حال سند سر کاری گرفته نشده و در باقی افتاده مطابق سر رشته دفتر که حاصل از بذر کم نباشد و یا بنابر آفات کسر کرده باشد بقرار قبض شرعی یا عرفی دهاقین و جیره خوراکه مال و تنخواه مرکب کار و باغبان در جمع و خرج ها مطابق بست سابقه مجری داده شود.

(۱۳)- باقی جنس غله باب که در باقی جمع و خرج ها افتاده و قیمت آن از قرار تسعیر مندوی ولایت شده چون هر محال بخود تسعیر و قیمت علیحده دارد قیمت هر کدام موافق قیمت خود همان محال گرفته شود اگر قیمت محال معین نشود کراهته آن از روی بعد مسافت مندوی مطابق رواج رعیتی و محصول آن فیصد پنجروپیه مجری کرده شود.

(۱۴)- در باب کراهته گدام که غله و اجناس سر کاریا رسانده و رسید گدام را گرفته معطل رسید شرعی ویا برات سر کاری دفتر بوده در جمع و خرج ها مجری شده و در ثانی بدیوان سنجش بازگشت شده و در باقی بصیغه سند طلب افتاده کراهته مذکور مطابق سند یا جمع گدام دارد اندازه استبعاد مواضع و قاعده گذشته مجری داده شود.

(۱۵)- رسیدات گدامداران که اسامی رعایا بدست دارند و رسیدات مذکور را گدامداران و یا تحویلداران در جمع خود بسته نکرده بدیوان سنجش رسید مذکور را داخل اضافه بر باقی عامل نموده در تحقیق طلب مانده است و تا حال بخرج مجری نشده رسیدات مذکور بعد از تحقیق مهر گدامدار و تحویلدار بخرج عاملان مجری داده شود.

الف:- گدامداران و تحویلداران که حیات باشند و یا جاداد داشته باشند بالای خود شان حوال شود.

ب:- اشخاصیکه فوت و فرار و لاجداد باشند از دولت مجری داده شود.

(۱۶)- مامورینیکه بعد از قطع محاسبه در حسابات خود فاضل و باقی دارند بقرار ذیل اجرا شود.

الف: گدامدارن و تحویلدارانیکه خرید و فروش دارند از یکرقم جنیس فاضل و از یکرقم جنس باقی باشند فاضله آنها به تسعیر همانسال و باقی شان بقیمت همانسال معین شود فاضله از باقی مجری داده شود و اگر خرید و فروش نداشته باشند فاضله جو عوض باقی جواری و یا فاضله جواری عوض باقی جو بقرار قیمت فوق مجری شود.

ب: تحویلدارانیکه جنس تحویل شان شده و همچنین جنسی بمصرف رسانیده و در حساب خود فاضل و باقی گردیده اند فاضله های سالهای ماقبل و مابعد شان که برقم باقی بقیمت برابر باشد مجری داده شود.

ج: اجناسیکه در حین مصارف تغییر رقم واقع شده باشد اگر تغییر رقم برنگ باشد یک رنگ بدیگر رنگ مجری شود، اگر بعرض و طول باشد از اجناس قیمت بها که در عرض از یک گره الی سه گره و در طول از یک گره الی چهار گره که تفاوت داشته باشد مجری داده شود، از اجناس کم بها مثل گلیم و شطرنجی و قالین در عرض از چهار گره الی شش گره و در طول شش الی هشت گره که باشد مجری داده شود.

د: اگر تفاوت رقم از تغییر رقم باشد مثلا کشمیره نخی و پشمی مخلوط و یا سندی و شال و ابره و لنگی زری و ساده که بقیمت تفاوت دارند و مس کار طوس و مس تسمه و برنج و آهن و فولاد و تفنگ انگریزی و کابلی و پناه پرودهن پر و غیره و غیره چند نفر از مامورین تصفیه محاسبه باتفاق علم آورده هر قدر تغییرات مذکور نزدیک همدگر از یک رقم باشد باتفاق دستخط نموده از جنس هر رقم برقم آن مجری شود.

(۱۷)- اجناسیکه در باقی تحویلداران باشد و اجناس مذکور موجود نباشد بقرار قیمت همانسال که مال تحویل او شده قیمت آن گرفته شود.

(۱۸)- کسانیکه فوق و یا مطلق نامعلوم باشند و مال تحویلی اوشان موجودی نشده باشد و بتحویل دیگر تحویلداران نکرده باشد مامورین تصفیه محاسبه ماضیه باجازات امر مافوق خود شان اشخاص معتمد مقرر داشته مال موجوده او بتحویل تحویلدارانیکه لازم باشد تحویل بدارند و رسید تحویلدار را بخرج حسنات مذکور مجری بدارند.

(۱۹)- خوراکه مال مواشی که از ملک و گدامداران های سرکاری ملازمین کمند بقرار رسید های یکه مهر خود ها گرفته و در خرج حسابات مجری شده و در ثانی سنجشها بازگشت کرده و در باقی بصیغه سند طلب آورده اند بقرار ذیل اجرا کرده شود:-

الف: بدفتر کمند علم آورده شود اگر جیره مقرری همانمال مواشی بدفتر مانده باشد مجری داده شود.

ب: اگر بدفتر سرکاری جیره مقرری مال مواشی طلب نمانده باشد قبض های مذکور را بخرج عاملان مجری بدهند.

ج: نائبانیکه حیات باشند و جاداد داشته باشند رسید های یکه مهر شان که جیره مال خود را برده باشند باسمی خد شان حواله شود نائبانیکه فوت و فرار باشند و یا جاداد نداشته باشند بعد از استحصال اسناد قومی که در فوت بودن ولا وارث و بی جاداد بودن همان نائب سند شمرده شود، اینطور باقیات صرف نظر کرده شود، اسناد قوی مراد از مجلای شرعی که در ان تصدیق کلانتر گذر و یا تصدیق علاقه دار و قریه دار و از حاکم باشد سند گفته میشود.

(۲۰)- در باب خوراکه نظامی که ازگدامهای سرکاری و از نزد دفتر یان ملک بقرار رقعه و رسید خود ها گرفته بشاند بتفصیل ذیل اجرا گردد:-

الف: بدفتر نظام علم آوری شود اگر بقرار قلمداد دفتریان به تنخواه او شان مجری شده باشد برای عاملان و گدامداران مجری داده شود.

ب: اگر تنخواه نظامی بهمین غرض بدفتر نظام معطل کرده شده باشد حالا بموجب اسناد شان بداخل تشخیص تنخواه شان مجری نموده برای عمال و گدامداران مجری داده شود.

ج: اگر نظامی تنخواه خورد را کاملاً برده باشند بالای همان نظامی حواله کرده شود و برای عمال و گدامداران مجری داده شود.

د: اگر نظامی فوت و لاوارث و بی جاداد شناخته شود مطابق قاعده فوق الذکر که در باره نائبان کمند تحریر یافته بعمل آورده از طرف دولت معاف گفته میشود.

(۲۱)- درکاتیکه در جمع عهده دار و یا امانی کار بسته شده باشد و بدیگر موضع تکرار داخل قلمداد آمده باشد و یا در جمع عهده دار علیحده بسته شده باشد تکراری آن از قرار مجلای شرعی و عرفی که بتصدیق حکام و دفتریان همان زمان رسیده باشد و یا حالا بقرار قاعده دفتر تکراری آن ثابت شود در حساب مجری داده شود.

(۲۲)- در خصوص املاک سرکاری و بندرات و گمرکات و عمل للمی و خسبری و غیره که مامورین دولت مقرر بودند و در عمل ماموریت شان نسبت بعمل سال گذشته کسر واقع شده و دفتریان کسر عمل گفته در حسابات شان افزود و تحصیلداران داده اند درکات کسر عمل در حساب مجری شود.

(۳۳)- عهده دارانیکه املاک سر کاری و یا وجوهات را متهد شده اند و یا بطور تقاوی برای خریداری اشیا بشرائط معینه قرار داده نموده اند و از طرف دولت بشرائط قرار داد شان رفتار نشده و تا حال حساب شان قطع نگردیده باشد قرار ذیل اجرا شود و اگر سابق حساب شان قطع شده باشد بهمان صورتیکه قطع شده درست است:-

الف: بعضی معاملات را مثلاً پنجساله قرار داد نموده اند و در بین یکسال و دو سال از طرف دولت بدون قصور اجاره دار حکماً فسخ عهده شان شده باشد سالهائی را که کاملاً عمل کرده باشند بقرار عهده براری شان حساب و گرفته شود، همانسال ناقص که اجاره شان از طرف دولت فسخ شده است اضافه عهده برار معاف و اصل آنرا بدون اضافه جمع گرفته تاریخ عمل کردی شان سنجیده و گرفته شود و اگر خود عهده برار مستغنی شده باشد و یا از طرف دولت بسبب بد معاملگی شان فسخ تعهد آنرا گردیده باشد تاریخ عمل کردی آنها از قرار اصل و اضافه گرفته شود.

ب: بعضی معاملات را بشرط تقاوی و یا آبادی کاریز و جوهی و غیره بعهده قیولدار شده اند و از حروف دولت شرائط مذکور اجرا نشده حساب اینطور کسان از قرار اصل جمع بدون اضافه قطع شود و اگر اینچنین املاک لامزروع بوده هیچ عمل نکرده باشد قطعاً معاف شود.

ج: بعضی اجناس که به نرخ معین قرار داده شده بشرط تقاوی هر قدر وجه آنرا برده باشند از قرار نرخ قرار داد مجری شود و هر قدر وجه آن داده نشده باشد تفاوت نرخ آن گرفته نشود.

(۲۴)- اسباب خورد و ریزه که قیمت آن هر کدام یکشاهی و نار الی یکروپیه شود مثل قطعه بازی و شطرنج و کوت تخته نرد و صابون و قلم و پاکت و غیره که نگهداشت آن تکلیف بوده در باقی تحویلدار آمده باشد مجری داده شود.

(۲۵)- بعضی اجناس که بخرج میرسد مثلاً در خانه سامانی ها پاکت و کاغذ، پن، کاغذ گیر، کتابچه، سرمیزی، شمع، لاک، که برای مصارف و بقدر ضرورت داده شده و تصدیق مصرف را حاصل نکرده در باقی افتاده این قسم اشیا مجری شود.

(۲۶)- بعضی اجناس که در جمع و خرج های تحویلدار از موجودی گذشته باسم داغمه تحویل شده و یا اسبابیکه از تحویلی خود تحویلدار باستعمال داغمه میشود و داغمه آن قیمت ندارد و نگهداشت آن برای تحویلدار آن تکلیف است اینهمه اسباب در حسابات ماضیه مجری داده شود.

(۲۷)- اشخاصیکه از دفتر پادشاهی تقاوی گرفته بودند که اینقدر اشیا میرسانم و اگر به این موعده نرسانیدم اینقدر جریمه میدهم و دفتریان جریمه مذکور را در باقی او افزود نموده اند جریمه آن معاف کرده شد گرفته نمیشود.

(۲۸)- اشخاصیکه وجه تقاوی برای خرید اشیا گرفته بودند که باینقدر نرخ بالمقطع اینقدر اشیا میرسانم و بدفاتر پادشاهی جنس مذکور بقرار قبولی شان بجمع شان بسته شده چون جنس را نرسانیده اند از قرار قیمت ماه گران بالای شان قیمت

شده دولت تفاوت تسعیر ماه گرانرا معاف فرموده باقی نرسیده گی شانرا از قرار وجه برده گی و قرار داد شان حساب کرده شود.

(۲۹)- باقیاتهاییکه از سالهای گذشته الی اخیر سنه ۱۲۸۲ شمسی در حسابات تحصیلداران باقی مانده است و سال بسال از حساب یک تحصیلدار بحساب دیگر تحصیلدار داده شده همه اینقسم باقیات که الی پانزده سال قبل ازین باشد کم شود و موافق نظامنامه که در باره باقیات قبل از پانزده ساله وضع میشود در انباب معمولدارند.

(۳۰)- جریمه جاتییکه از باعث غفلت خدمت و یا بشبهه دزدی و غیره جریمه شده باشد و خود مجرم فوت باشد جریمه از ورثه گرفته نمیشود، جریمه مذکور مجری داده شود.

(۳۱)- کسر خشکی چوب سوخت و صابون و رنگ و ریشه و انار پوست بقرار امتحاناتیکه در سابق امتحان شده مجری داده میشود.

(۳۲)- اشیائیکه بدمه تحویلداران از سالهای ماضیه باقیمانده وسال بسال در جمع و خرج های شان باقی افتاده آنچنان اشیائیکه کهنه و خراب و فرسوده میشود و یا شکست و ریخت پیدا میکند امثال بوریا و ترنگن و تنگ و تویره و جوال و بوری و ریسمان نخ و موئی و چاتی و کوزه و آفتابه گلی و جاروب و پکه و فلپته تیل سوز و شیشه لعل تین و آئینه قطعی و غیره چیزهاییکه جنس مائع و هوا میشود مثل پترول و تیل خاک و شرتیبات و غیره امثال آن مجری داده شود.

(۳۳)- خانه هائیکه برای گدام سرکاری و یا برای نشیمن مامورین دولت بکرایه گرفته شده بشاد و یا دکانهای رعیتی که برای بهره های کوتوالی بکرایه گرفته شده اینطور کرایه بموجب تصدیق مامورین همان زمان که موجود باشد و یا در حساب نشان داده شده باشد مجری داده شود.

(۳۴)- دکانهای سرکاری و حمام و سرای ها که خراب شده و یا کرایه نشین پیدا نشده عاملان سرکاری مجالی خرابی و لا عمل بودن انرا بدست دارند و دفتریان قرار سالهای گذشته در جمع عاملان بسته اند از قرار تصدیق هائیکه بدفتر ها داخل است یا موجود باشد مجری کرده شود.

(۳۵)- تغییر رقم کاغذات صکوکات ذمه مامورین که یکرقم باقی قیمت گذاشته شده و وجه نقد باقی افتاده و از دیگر رقم فاضل میباشد مامورین اظهار دارند که بسبب اجرای کار از یکرقم بعوض دیگر رقم بمصرف رسیده درینصورت فاضل و باقی ان از قرار قیمت معینه تسعیر گردیده مجری کرده شود و اگر قیمت فاضله اضافه شود استحقاق مجرائی را ندارد.

(۳۶)- اسپ های سقطی و مرکب و اشتر کمند که پوست و داغ و دم آنرا تحویل نموده اند و بسبب تغییر نشان و رنگ مجری داده نشده است و هر ذمه نائبان همچنان باقی گذاشته و یا قیمت آن معین گردیده ذمه گی نائبان گفته میشود درینصورت اسپ کهربکهر و سرخنگ بسرخنگ و سمند بسمند مجری کرده شود نشان چند تار سفید و یا یک پا سفید و قشقه برناق تحقیق نشود.

(۳۷)- غله گدامها رو بخرابی آورده و بقرار اجازه مرکز و یا بقرار صوابدید و حکمنامه های حکام برای رعایا بصیغه تقاوی داده شده و گدامدار حجت شرعی و یا عرفی بتصدیق حاکم گرفته خود گدامدار فوت شده و یا موقوف گردیده تقاوی مذکور را بدفتر قلمداد داده و از دفتر برای تحصیلدار داده شده و درینقدر سال تحصیلدار ها غفلت نموده الحال که باقی رعایا و حکمنامه ها برای گدامداران مجری داده شود.

(۳۸)- تعمیرات سرکاری که برای مستاجر بطور اجاره قرار داد شده و اخراجات ان بقرار پیمایش اول داده شده چون درینقدر سال پیمایش ثانی نشده اصل حواله داده گی در باقی کار داران باقی افتاده اگر الحال پیمایش ثانی شود چون سالهای گذشته در تعمیر مذکور تغییرات زیاد شده اگر تصدیق تمامی کار مذکور موجود باشد بقرار پیمایش اول مجری داده شود.

(۳۹)- اشیائیکه در جشن ها و عیدین و غیره شکست و ریخت پیدا کرده یا مفقود شده باشد در همان تاریخ تصدیق کار داران همان زمان را تحویلداران بدست داشته باشند تصدیق مذکور بخرج تحویلداران مجری کرده شود.

(۴۰)- در باب مرستکاری و کاهکل کاری تعمیر رباطها و چهاوینهای عسکری و پلها و عمارات شاهی که بقرار رقعہ حکام و منصبداران نظامی شده و دفتریان مخارج آنرا مجری نداده فرمان پادشاهی را طالب میباشند اگر مصرف مذکور برای دولت باشد و مکتوب و خط حاکم و منصبداران همان وقت بدفتر سرکاری داخل باشد مجری داده شود.

(۴۱)- عمال و ضباط و اجاره دارانیکه بعد از معزولی بدفتر پادشاهی حاضر شده باشد و باقی ذمه گی خود را جزو جاداد قبولی داده و از دفتر تحقیق شده و سند آن ملاحظه شده باشد و بتحصیلدار داده شده و اختیار حواله و تحصیل از عمال و اجاره دار سلب شده از زمان جاداد داده گی سالها گذشته و از یک تحصیلدار بدیگر تحصیلدار دست بدست گشته و تحصیلداران غفلت نموده اند جاداد مذکور علم آورده شود هر قدر در جاداد مذکور قبولی اسامی و سند ان موجود باشد و داخل معافی اهالی نیامده باشد گرفته شود و هر قدر فوت و فرار و لا حصول و سند قبولی آن باشد چون عمال اختیار تحصیل را نداشته و از خدمت موقوف شده بودند ملزم گفته نمیشوند لا حصولی شان مجری داده شود.

(۴۲)- عمال و ضباط و عهده دار که وجه دولت بذمه شان باقی مانده باشد و جاداد خود را بذمه رعایا بدانند جاداد سالهای سابق را که بدفاتر پادشاهی بذمه رعایا قلمداد نموده باشد و تحصیلدار درینقدر حال در تحصیل آن غفلت نموده باشد و یا دفتریها بتحصیلدار نداده باشند اگر بقرار سند حسابی جاداد شان صحت باشد چون باقی ذمه گی رعایا تحت معافی میآیند مجری داده شود.

(۴۳)- اشخاصیکه بقسم مغروری و یا ناقل و مهاجر با هر دولت از یک ملک بدیگر ملک آورده شده تقاوی و بدر داده شده و یا مالیه املاک بذمه شان مانده در ثانی املاک از نزد شان واپس گرفته شده خود شان فوت یا فرار و یا بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند باقی ذمه گی شان در حساب معاف و مجری داده شود.

(۴۴)- اشخاصیکه از مامورین و اجاره داران باقیده سرکار باشند و اسم شان بدفتر باشد محل سکونت آن از دفاتر پادشاهی معین نشود مامورین محاسبه تا حد امکان تحقیق نمایند اگر ممکن معلوم کردن نشود بموجب سند تحقیق باقی مذکور درجمله لا حصولی آورده شود.

(۴۵)- مامورین و اجاره داران که باقی ده سر کار باشند خواه نقد خواه جنس سکونت شان از مرکز ولایت الی شش گروهی باشد الی پنجروپیه، و از شش گروهی الی بنجاه گروهی تا بیست روپیه باید در تحت تحصیل و حواله داده نشود در جمع و خرج ها بقسم معافی مجری داده شود.

(۴۶)- مامورین و عهده داران که بسبب باقیات در محبوسخانه میباشند چون در تصفیه محاسبات شان علم آوری نشده عجالاً فقرات کار نفری مذکور فیصله شود.

(۴۷)- مامورین و عهد دارانیکه در حسابات شان باقیدار بودند و باقی شان قبل از فیصله بتحصیلدار داده شده و اشخاصیکه بدون حساب بطریق ریزش بالای شان حواله شده باقی مذکور را دستخط قبولی نکرده اند باقیات مذکور تا حال مانده باقیاتهای مذکور واپس تسلیم مامورین تصفیه محاسبه ماضیه شود که هر فقره را بقرار قواعد این نظامنامه فیصله نموده فقره بفقره مذکور که تصفیه و تمام گردید صرف باقی آنرا بعد از قبولی بتحصیلدار بدهند.

(۴۸)- مامورین و اجاره دارانیکه در یک ولایت مامور بوده و باقیدار شده و حال خود شان بدیگر ولایت بوده باشند و از یک ولایت باقی شان بدیگر ولایت قلمداد شده و در حساب خود گفتگوی مینمایند بدو تفریق اجرا شود.

الف: باقی که بر ذمه مامورین و اجاره داران مانده باشد و باقی شخصی گفته شود نقل اوارجح و نقل حساب او از همان ولایت خواسته شود و روانه دارند منباب طلب رعایا که از قسم برداشت مامورین باشد و سندات برداشت شان نزد رعایا باشد و مامورین درینجا عذر ملاحظه سند خود را بدارند درینصورت یا خود اسامی بولایت منسوبه اش رفته فیصله میدارد ویا ولیل گرفته روانه میدارد و اگر قبولدار باشد ادای دین میدارد.

ب: باقی که از قسم جاداد ملک باشد اگر جاداد مذکور در ملک باشد واپس برای نایب الحکومه و مستوفی روانه شود که علم در جاداد و فقره گفتگویی آورده هر قدر که در تحت معافی و ذمه گی رعایا باشد معاف و باقی آنرا مطابق قواعد نظامنامه هذا اجرا نمایند.

(۴۹)- درکاتیکه در دفعه مصارفات تشخیص و اخراجات داغمه طلب حواله داده شده و داغمه آن بتحویل خانه ها تحویل نشده و یا ازجیره جیره خور و کسرات شهور گردانیده نشده و یا بعضی فقرات تصدیق طلب و حیاتی طلب که برات داده شده و یاجیره و خرجی مفرورین هندی که الی تقدیم نمودن حضور از دفتر خرجی داده شده و یا بعضی بروات را بدون پا بمهری برای اسامی داده اند و امثال این فقرات که ذمه گی رعایا گفته میشود معاف است.

(۵۰) - در باب دیت مقتولین که شرعاً بالای رعایا دیت شده و یا تاوان مال مسروقه که بالای رعایا امر دادن شده و بالای آن جریمه سرکاری نیز افزود شده و در جمع و خرج ها باقی میباید بقرار فقرات ذیل فیصله شود:-

الف: جریمه سرکاری هر قدر که حصول شده باشد و بخزانه دولت رسیده باشد مجری است و هر قدر که از رعایا گرفته شده و به سر کار نرسیده باشد از عامل و ضابط و حکام گرفته و تحویل خزانه شود باقی که بر ذمه رعایا بماند چون ذمه گی رعایا در تحت معافی آمده مجری داده شود.

ب: وجه دیت که تعلق ورثه مقتولین و صاحبمال داشته باشد اگر موافق شرعی باشد و بر ذمه اهالی باقی مانده باشد بقرار امر شرع شریف و نظامنامه مخصوص آن تحصیل و برای ورثه و صاحب مال داده میشود و از کسانیکه وجه دیت شرعی شان حصول شده و به خزائن دولت میباید و برای ورثه مقتول داده نشده باشد بقرار رسیده شرعی برای ورثه مقتول بالای خزانه برات داده شود، اما فیصله اولیه قاضی که در باب دیت اجرا شده ملاحظه شود تا حق ورثه حقیقی برای دیگری داده نشود تاوان مال و دیت هائیکه بقرار احکام کتابچه حکومتی شده باشد و بر ذمه اهالی باقی باشد گرفته نمیشود و معاف است.

(۵۱) - وجه اعانه طراباس غرب و عروسی معین السلطنه صاحب و وجه خسرات و وجه مهرانه که مامورین و اهالی قبولدار شده و عصریه و جریمه و غیر حاضری که بدفاتر سرکاری داخل است و تا حال نرسیده و باقی مانده معاف گفته میشود مجری داده شود.

شرائط اقساط

(۵۲) - اشخاصیکه باقی شان بقرار قواعد و هدایات این نظامنامه بصحت برسد مطابق مطابق بیانات ذیل تحصیل کرده میشود:-

الف: کسانیکه بقل ازین باقیات خود را قبولدار گردیده دولت بهمراه اوشان قسط نموده است عیناً همان قسط حکم منظوری دارد اخلال کرده نمیشود.

ب: کسانیکه باقیات شان بموجب اخراجات این نظامنامه معین میشود و قبولدار میگردند. هرگاه صاحب جاداد باشند در کابل بذریعه والی ودر ولایات بواسطه نائب الحکومه ها و حکام اعلی نظر به هستی و جاداد همان باقیده از یکسال الی پانزده سال قسط مقرر نموده برای دولت حجت حاصل میدارند.

ج: اشخاصیکه باقی ده بدولت بوده جاداد نداشته باشند و یاجاداد شان با قیدهی آنها را پوره نکند هرگاه آدمان تندرست و جوان باشند بکار های شاقه دولت اشغال گردیده از وجه شهریه شان از دو ثلث الی مناصفه برای نفقه خود آنها داده شود و از یک ثلث الی مناصفه عوض باقی ذمه گی شان برای دولت گشتانده شود و اگر ضعیف و سال خورده باشند هیچ تکلیف بآنها نکرده و اگذاشته شوند.

د: کسانیکه قبولدار قسط نباشند و جمله هستی خود را بعوض طلب دولت برای دولت واگذار باشند هستی اینطور اشخاص بموجب قبالة شرعی اخذ کرده میشود و برای نشیمن اینطور باقیات دهان جای سکونت مطابق اندازه شرع شریف داده شود و در باره خود آنها موافق تفصیل (ج) بعمل آورده شود.

ه: کسانیکه باقیدار بوده فوت شده باشند هر قدر از جاداد و هستی آنها برای ورثه شان مانده باشد موافق آن از ورثه آنها گرفته شود هرگاه جاداد موروثی اینچنین اشخاص باقی دولت را پوره نکند باقی دولت بقسم معافی مجری شود و اضافه بران بجا داد و هستی ورثه آنها تعلق ندارد.

و: کسانیکه فوت و نامعلوم باشند و جاداد نداشته باشند باقیات اینطور اشخاص بموجب تحقیقات حکام که سند حاصل دارند در تحت معافی آورده میشود.

ز: کسانیکه بهمراه شان قسط مقرر میشود الی ادای باقیات خود هستی خود را فروخته نمیتواند اگر بغرض ادای قسط بفروش برساند اصل مبلغ فروش عوض باقیاتش گرفته میشود.

(۵۳)- بدون قواعداً مفصله هذا اگر بعضی فقرات پیش شود که در جمله قواعداً این نظامنامه نیامده باشد نفری مامورین تصفیه محاسبه ماضیه فقرات مذکور را بطور لایحه مرتب نموده حواله شورای دولت میدارند البته بعد از تصویب مجلس شورای و منظوری مجلس عالی و زرا بطور ضمیمه درین نظامنامه ایزاد کرده میشود.

(۵۴)- کسانیکه از مامورین خلاف این نظامنامه رفتار بدارند و یا کسانیکه از حساب دهان سرکشی نمایند مطابق نظامنامه جزای عمومی در تحت محاکمه گرفته میشود. در کابل وزارت مالیه و در اطراف نایب الحکومه ها و حکام اعلی و مستوفیان ولایات و سررشته داران اعلی باجرای این نظامنامه مامور و مکلف هستند.

مورخه ۲۰ حمل سنه ۱۳۰۲ شمسی.